

تحلیلی بر عضویت ایران در بریکس

بریکس؛ اعتبار سیاسی بدون دستاورد اقتصادی برای ایران

عضویت ایران در بریکس که زمانی به عنوان نشانه‌ای از خروج تهران از انزوای بین‌المللی تبلیغ می‌شد، اکنون بیش از آنکه دستاوردی اقتصادی به همراه داشته باشد، به پوششی سیاسی محدود شده است؛ پوششی که نه تحریم‌ها را خنثی می‌کند و نه توازن قدرت را به نفع ایران تغییر می‌دهد.

پایگاه اطلاع رسانی دریا و نفت: زمانی که ایران در ژانویه گذشته به گروه بریکس پیوست، دولت این رویداد را نشانه‌ای از موفقیت جمهوری اسلامی در عبور از یکی از طولانی‌ترین دوره‌های انزوای جهانی معرفی کرد. با این حال، واقعیت‌های اقتصادی و سیاسی نشان می‌دهد که بریکس برای تهران بیش از آنکه مسیر نجات باشد، ابزاری برای کسب اعتبار نمادین است.

نشریه نشنال اینترنست در تحلیلی که روزنامه هم‌میهن به نقل از آن منتشر کرده، تأکید می‌کند که «بانک توسعه جدید» بریکس عملاً از وام‌دهی به کشورهای تحت تحریم اجتناب می‌کند. چین نیز با دقت می‌کوشد روابط اقتصادی خود با ایران به گونه‌ای تنظیم شود که واکنش تلافی‌جویانه ایالات متحده را در پی نداشته باشد. حتی تفاهم‌نامه‌هایی که وعده همکاری می‌دهند، به دلیل قوانین سخت‌گیرانه مدیریت ریسک، به قراردادهای و خطوط اعتباری واقعی برای ایران تبدیل نمی‌شوند.

بر اساس این تحلیل، ارزش بریکس برای ایران نه در پول، بلکه در «پوشش سیاسی» نهفته است. این بلوک به تهران مشروعیت می‌دهد، اما اهرم فشار مؤثری در اختیارش نمی‌گذارد. با این حال، ایران می‌کوشد از هر نشست بریکس برای پیشبرد اهداف فنی و محدود استفاده کند؛ از فروش نفت با یوآن یا درهم گرفته تا توسعه مسیرهای ترانزیتی از طریق کریدور شمال و جنوب و اتصال تجاری میان هند، ایران و روسیه از مسیر خلیج فارس و دریای خزر.

این تلاش‌ها را می‌توان نوعی سازگاری با شرایط تحریمی دانست، اما هم‌زمان نشان‌دهنده وزن اندک ایران در ساختار چندجانبه بریکس است. اگرچه این بلوک از چندجانبه‌گرایی سخن می‌گوید، اما توازن قدرت در آن نابرابر است؛ چین با حجم تجارت خود دست بالا را دارد و روسیه بیشتر به دنبال ایجاد فضای تنفس استراتژیک است.

در حال حاضر، بیش از ۹۰ درصد صادرات نفت خام ایران حدود یک میلیون و ۴۰۰ هزار بشکه در روز تا اواسط سال ۲۰۲۵؛ به چین می‌رود. این نفت عمدتاً با تخفیف، از طریق واسطه‌ها و با ارزهای غیردلاری فروخته می‌شود؛ تخفیفی که به بیش از ۶ دلار در هر بشکه نسبت به نفت برنت رسیده است. این در حالی است که نفت ایران تنها حدود ۱۳ درصد از واردات نفت چین را تشکیل می‌دهد؛ عدم توازن که وابستگی ساختاری تهران را برجسته می‌کند.

ایران بریکس را به عنوان پروژه‌ای برای «دلارزدایی» تبلیغ می‌کند، اما در عمل، این شعار بیش از آنکه واقعیت مالی باشد، یک روایت سیاسی است. نهادهای بریکس؛ حتی نهادهای چینی؛ همچنان به بیمه‌گران و سازوکارهای تسویه مبتنی بر دلار وابسته‌اند و تحریم‌های آمریکا همچنان قواعد بازی را تعیین می‌کنند.

هر شریک خارجی بزرگ، ریسک از دست دادن دسترسی به سیستم دلاری یا خدمات بیمه‌ای را به دقت می‌سنجد. پالایشگاه‌ها، شرکت‌های حمل‌ونقل و بیمه‌گران چینی و هندی ممکن است در سطح سیاسی با واشنگتن مخالفت کنند، اما در عمل در همان نظم دلاری فعالیت می‌کنند. به همین دلیل، گفت‌وگوهای بریکس درباره دلارزدایی هنوز نتوانسته «سیم‌کشی» تجارت جهانی را تغییر دهد.

وابستگی ایران به چند خریدار شرقی، اگرچه تقاضایی نسبتاً پایدار برای نفت ایجاد کرده، اما این درآمدها تنها کفاف تأمین واردات را می‌دهد و توان نوآوری اقتصاد را ندارد. برای اقتصادی زیر فشار تحریم، همین میزان درآمد نیز حیاتی است، اما ثبات لزوماً به معنای همبستگی نیست.

در نشست اخیر بریکس در ریودوژانیرو، اعضا حملات یک‌جانبه به ایران در جریان حملات هوایی ژوئن به تأسیسات هسته‌ای را محکوم کردند، اما از نام بردن از اسرائیل خودداری شد. این موضع‌گیری بیش از آنکه تضمین امنیت باشد، نشانه‌ای از همدلی محدود بود؛ همدلی‌ای که دقیقاً در نقطه تلاقی منافع اعضای بریکس با غرب متوقف می‌شود.

در داخل ایران، مفهوم استقلال بیش از پیش با «مقاومت» و «تاب‌آوری» گره خورده است. رسانه‌های رسمی بریکس را «محرک اراده جمعی برای ساختن جهانی عادلانه‌تر» توصیف می‌کنند؛ زبانی اخلاقی که زمانی برای جنبش عدم تعهد به کار می‌رفت و اکنون برای توجیه شراکت با قدرت‌های اقتدارگرا استفاده می‌شود.

ایران دیگر رهبر «جنوب جهانی» نیست؛ بلکه تنها یکی از اعضای آن است. در نهایت، بریکس برای تهران بیش از آنکه نقطه عطفی تاریخی باشد، آینه‌ای است که محدودیت‌ها را بازتاب می‌دهد. استقلال ایدئولوژیک جای خود را به نوعی وابستگی استراتژیک داده است؛ صندلی‌ای بر سر میز مذاکره، بدون اختیار انتخاب منو.

تبدیل این حضور نمادین به اهرم واقعی، نیازمند شفافیت اقتصادی، دیپلماسی قابل اعتماد و چشم‌اندازی روشن برای اصلاحات داخلی است؛ مؤلفه‌هایی که بدون آنها، بریکس نیز نمی‌تواند معجزه‌ای برای اقتصاد و سیاست خارجی ایران رقم بزند.